گفت‌وگوی «جوان» با پدر شهید «کمال کورسل»، تنها شهید اروپایی دفاع مقدس

«کمال» با پذیرفتن تشیع در مسیر کمال قرار گرفت

■ احمد محمدتبریزی

جاذبه‌های امام خمینی و انقلاب اسلامی تنها به مرزهای ایران محدود نماند و دل‌های بیداری را جذب خودش کرد. مدت کوتاهی پس از انقلاب اسلامی، ژروم ایمانوئل کورسل با ایشان و دانشجویان خط امام آشنا می‌شود و این آشنایی او را پای صحبت‌های امام می‌نشاند. شنیدن سخنان امام مسیر زندگی ژروم ایمانوئل جوان را تغییر می‌دهد. پس از نشستن حرف‌های امام در جان و دل این جوان فرانسوی، او به دین اسلام مشرف می‌شود و نام کمال را برای خودش انتخاب می‌کند. کمال پس از شیعه شدن تصمیم می‌گیرد به ایران برود و زندگی تازه‌ای را شروع کند. او در ایران مشغول فراگیری دروس حوزوی در قم می‌شود و دل در گرو اسلام و انقلاب می‌دهد. شروع جنگ تحمیلی پای کمال را به جبهه باز می‌کند. همزمان با شروع جنگ تحمیلی مسئولان اعزام به جبهه به دلایل امنیتی از ورود وی به جبهه‌ها خودداری می‌کردند. کمال با اصرار فراوان و پیگیری توانست همراه با سپاه بدر در سال ۱۳۶۳ در جبهه حضور پیدا کند. کمال در سال ۱۳۶۷ و در جریان عملیات مرصاد در عملیات هلی‌بورن نیروها که توسط هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی انجام می‌شد، با اصابت گلوله‌ای به سرش به درجه رفیع شهادت نائل شد. پس از انقلاب مردم تونس، خانواده شهید توانستند بعد از ۳۰ سال از وضعیت پسرشان اطلاع کسب کنند و سر مزار فرزند شهیدشان حاضر شوند. پدر شهید، «محمد بن الصالح مرادی» که اولین بار در سال ۱۳۹۶ به ایران آمد، به‌تازگی دوباره به کشورمان سفر کرده است. پدر شهید هنوز به یاد پسرش چشم‌هایش نمناک می‌شود و اشک می‌ریزد. او در گفت‌وگو با «جوان» از راه دراز و سختی که پسرش طی کرد برایمان می‌گوید.

چه اتفاقی سبب شد آقاکمال به دین اسلام و مذهب تشیع مشرف شود و در دفاع مقدس حضور پیدا کند؟

کمال در پاریس با دانشجویان خط امام آشنا شده بود و در تظاهراتی که آنجا انجام می‌دادند شرکت می‌کرد و در صف جلو قرار داشت و عکس امام را در دست می‌گرفت. یک روز پلیس فرانسه جلوی او را می‌گیرد و می‌گوید شما که فرانسوی هستید اینجا چه کار می‌کنید؟ کمال هم جواب می‌دهد من با اینکه فرانسوی هستم ولی مسلمانم و اصلیتم به کشور تونس برمی‌گردد. در آن زمان مجذوب دانشجویان خط امام شده و در همان ایام مسلمان شیعه هم شده بود. کمال در همان سال‌ها نامه‌ای را به زبان عربی برایم فرستاد. من از اینکه او چطور در مدت زمان کوتاه توانسته هم زبان عربی را یاد بگیرد و هم مسلمان شود تعجب کردم.

در سخنان امام خمینی چه دیدند و نقطه‌ای که باعث تحول شهید کورسل شد چه بود؟

چون ایشان از قبل پیش‌زمینه‌ای از اسلام داشت، پذیرش این دین الهی برایش آسان‌تر بود. همچنین در سفرهای تابستانی‌اش به تونس من مقدار کمی او را با اسلام آشنا کرده بودم. یک قرآن کوچکی به او داده بودم و اینها یک پیش‌زمینه کوچکی شده بود تا وقتی در پاریس اسم اسلام، انقلاب اسلامی و امام خمینی را می‌شنود، با کنجکاوی و علاقه به سمتش برود. اینها موجب کشیده شدن کمال به سمت سخنرانی‌های امام خمینی شده بود. پس از شنیدن صحبت‌های امام خمینی، کمال مجذوب ایشان و انقلاب مردم ایران می‌شود. به‌همین‌خاطر در یکی از تظاهرات دانشجویان خط امام علیه منافقین شرکت می‌کند و در کنار دیگر انقلابیون به فعالیت می‌پردازد.

اگر انقلاب ایران اتفاق نمی‌افتاد، فکر می‌کنید پسرتان چه سرنوشتی پیدا می‌کرد؟

اگر انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد مطمئنم که پسرم مسیحی می‌ماند چون مادرش یک مسیحی معتقد و محکم بود. مادرشان مسیحی معتقدی بود که همیشه به کلیسا می‌رفت و انجام این اعمال مذهبی پیش‌زمینه‌ای معنوی برای کمال شده بود. کمال به خاطر محیطی که در آن زندگی می‌کرد قطعاً مسیحی می‌ماند. چون آشنایی با اسلام نداشت و حتی زمانی که کمال می‌خواست مسلمان شود مادرش پیش یک پزشک یهودی رفته و گفته بود پسرم حرکاتی شبیه مسلمانان انجام می‌دهد. مثلاً گفته بود پسرم در طول روز چندین بار نماز و قرآن می‌خواند. این کارها باعث نگرانی مادرش شده بود و مادرش به آن پزشک گفته بود که حس می‌کنم پسرم به لحاظ روانی دچار مشکل شده است. مادر کمال در آن اوایل نمی‌دانست که پسرش مسلمان شده و کارهای کمال را طور دیگری برداشت کرده بود. مادر کمال وقتی فهمید پسرش با دانشجویان خط امام جلسه دارد و می‌خواهد مسلمان شود خیلی نگران شده بود. مادرش نمی‌فهمید که کمال چه کار می‌کند و چه هدفی دارد.

نگاه مردم فرانسه به مسلمان شدن آقا کمال چه بود؟

وقتی کمال به ایران آمد مادرش در فرانسه تصادف می‌کند و از دنیا می‌رود. وقتی کمال خبر فوت مادرش را می‌شنود به فرانسه برمی‌گردد تا در مراسم خاکسپاری مادرش شرکت کند. متأسفانه دایی‌های کمال از او استقبال مناسبی نمی‌کنند و همین باعث می‌شود او شب‌ها را در مسجدی در فرانسه سپری کند. این نشان می‌دهد که فرانسوی‌ها از مسلمان شدن کمال استقبال نکرده بودند. وقتی بستگان و آشنایان چنین رفتاری را با پسرم داشتند قطعاً این واکنش بین غریبه‌ها هم وجود داشت. خانواده مادر کمال مسیحی معتقدی بودند و تحمل مسلمان شدن پسرم را نداشتند ولی در کل فرانسوی‌ها اصلاً چنین چیزی را نمی‌پسندند که کسی از دینش خارج شود و به سمت اسلام برود.

مردم تونس چه دیدگاهی نسبت به شهادت پسرتان دارند؟

مردم تونس دیدگاه‌های مختلفی درباره این موضوع دارند ولی من معتقد هستم که جمهوری اسلامی مادر تمدن اسلامی است که در خط مقدم مقاومت قرار دارد و در هر کشوری که در راه دفاع از اسلام مشکلی پیش بیاید ایرانی‌ها شرکت می‌کنند و به شهادت می‌رسند. اینجاست که کلمه شهید تبلور پیدا می‌کند و جایگاه خودش را نشان می‌دهد.

اگر آن زمان در فرانسه حضور داشتید و می‌دانستید که پسرتان در سفر به ایران دیگر هرگز به کشورش بازنخواهد گشت، آیا اجازه رفتن به پسرتان می‌دادید؟

صددرصد قبول می‌کردم. آدم چرا ناراحت باشد وقتی می‌بیند فرزندش در مسیر کمال قرار گرفته است. پذیرفتن اسلام و خواندن دروس حوزوی یک اتفاق بزرگ و مهم در زندگی پسرانم بوده است که من از این موضوع خیلی خوشحالم. همینطوری که الان پسر دیگرم، سلیم را می‌بینم که راه برادرش را ادامه می‌دهد از صمیم قلب خوشحال هستم.

> اولین باری که مزار شهید را زیارت کردم خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. حتی دوست داشتم روزها و شب‌هایم را آنجا بگذرانم. خدا را شکر می‌کنم که کمال تنها نیست و بین کسانی قرار گرفته که دائماً زیارتش می‌کنند. حتی چند روز پیش که برای زیارت مزارش رفته بودم دیدم که طلاب حوزه علمیه به زیارت مزار پسرم آمده‌اند و خیلی از این بابت خوشحال شدم

شما ۳۰ سال خبری از پسرتان نداشتید و پس از سال‌ها از وضعیت ایشان باخبر شدید. چرا دانستن وضعیت پسرتان ۳۰ سال زمان برد؟

اتفاق خیلی جالبی در این مدت افتاد که دوست دارم آن را برایتان تعریف کنم؛ برادر شهید، سلیم، در آلمان درس می‌خواند و فیزیوتراپ بود. او بدون اینکه اطلاعی داشته باشد برادری دارد که در ایران شهید شده، در آلمان شیعه می‌شود و از طریق اینترنت با جامعه‌المصطفی ارتباط برقرار می‌کند. الان خدا را شکر او در قم حضور دارد و تحصیلات حوزوی‌اش را ادامه می‌دهد. به نظرم این یک اتفاق الهی و یک اتفاق خوب و مبارک است. خدا را شکر الان پسرم به ایران آمده و اینجا ازدواج کرده است. چند ماهی است با یک خانم شیعه ازدواج کرده و این یک اتفاق الهی در زندگی‌اش است. من خیلی از این اتفاق خرسندم. پسرم، پیگیر کارهای برادرش است و اگر اطلاعاتی، کتابی، نوشته‌ای درباره برادرش وجود داشته باشد آنها را جمع‌آوری می‌کند.

چرا در این مدت پیگیر پیدا شدن پسرتان نبودید؟

در آن سال‌ها ارتباط میان من و پسرم به خاطر اوضاع سیاسی تونس و ایران قطع بود. من روزنامه‌نگار بودم و شرایط سیاسی کشورم طوری بود که اجازه نمی‌دادند با ایران مکاتبه داشته باشم و بخواهم نامه ارسال کنم. باید از طریق فرانسه این کار را انجام می‌دادم و چند بار نامه‌هایی را من از طریق کشور فرانسه ارسال کردم که جوابش به دستم نرسید چون ارتباط خیلی سخت بود. تا اینکه چند سال پیش در تونس انقلابی رخ داد و من تازه توانستم وضعیت پسرم در ایران را از طریق رایزن فرهنگی پیگیری کنم. درنهایت توانستم در سال ۱۳۹۶ به همت بنیاد شهید به جمهوری اسلامی ایران بیایم و مزار کمال را زیارت کنم.

وقتی پس از ۳۰ سال به مزار پسرتان رسیدید، چه احساسی داشتید؟

اولین باری که مزار شهید را زیارت کردم خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. حتی دوست داشتم روزها و شب‌هایم را آنجا بگذرانم. خدا را شکر می‌کنم که کمال تنهانیست و بین کسانی قرار گرفته که دائماً زیارتش می‌کنند. حتی چند روز پیش که برای زیارت مزارش رفته بودم دیدم که طلاب حوزه علمیه به زیارت مزار پسرم آمده‌اند و خیلی از این بابت خوشحالم. همینطوری که الان پسر دیگرم، سلیم را می‌بینم که راه برادرش را ادامه می‌دهد از صمیم قلب خوشحال هستم.

شما در تونس روزنامه‌نگار بودید و قطعاً نسبت به اتفاقاتی که در کشورهای دیگر می‌افتاد آگاهی داشتید. دید خودتان نسبت به انقلابی که داشت در ایران اتفاق می‌افتاد چه بود؟

آن زمان دوران خفقان در تونس بود و ارتباطات بین ایران و تونس به لحاظ سیاسی قطع بود و هیچ‌کس از ایران خبری نداشت و اگر روزنامه‌نگاری از ایران چیزی می‌نوشت یا خبری دریافت می‌کرد باید حتماً به زندان می‌رفت. به خاطر همین جو خفقان و امنیتی ما اطلاعی از شرایط و انقلاب مردم ایران نداشتیم.

پسرتان در نامه‌هایشان چه چیزهایی برایتان می‌نوشتند؟

اولین نامه‌ای که کمال برایم فرستاد از شهر قم بود. در نامه می‌نویسد من در شهر مقدس قم حضور دارم و مشغول تحصیل دروس حوزوی هستم. نامه یک سال پس از نگارش به دستمان رسید و ما می‌دانستیم که پسرمان در شهر قم مشغول فراگیری علوم حوزوی است. ما یک سال قبل از شهادت کمال دیگر هیچ خبری از او نداشتیم. فکر می‌کردیم که پسرمان در قم ازدواج کرده و صاحب اولاد شده است. تا اینکه پس از ۳۱ سال فهمیدیم پسرمان در ایران به شهادت رسیده است.

با وجود بعد مسافت وقتی دلتان برای پسرشان تنگ می‌شود، چه کار می‌کنید؟

واقعاً فرزند تکه‌ای از جگر آدم است و موقعی که دلم می‌گیرد، بدون اینکه همسرم متوجه شود، به اتاقی می‌روم و گریه می‌کنم. این گریه‌ها من را سبک می‌کند و حس می‌کنم اینگونه به پسرم نزدیک‌تر هستم.

الان چه مدت است که در ایران حضور دارید و در این مدت کشورمان را چگونه دیدید؟

سه هفته است که در ایران حضور داریم. ایران بسیار زیباست و از تمدن خیلی بالایی برخوردار است و به نظرم از اروپا به لحاظ نظافت خیلی بهتر است. تدین ملت ایران برایم خیلی جالب است. دیشب در مسجدی نماز خواندم و دیدم که یک صف کامل از نماز جماعت را بچه‌های کم‌سن‌وسال پنج، شش ساله تشکیل دادند. واقعاً با دیدن این بچه‌ها روحیه گرفتم. امیدوارم خدا این انقلاب را حفظ و امام خمینی را رحمت کند.

یادکرد

یادکردی از عملیات والفجر ۴ در آخرین روزهای مهرماه ۱۳۶۲

نفوذ به دره شیلر

■ غلامحسین بهبودی

عملیات والفجر ۴ در ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ آغاز شد و به مدت بیش از یک ماه ادامه یافت. این عملیات قرار بود فرورفتگی دره شیلر در داخل خاک ایران که بین دو شهر بانه و مریوان بود را تصرف کند و مأمن امن ضدانقلاب در این دره را پاکسازی کند. اگر به نقشه استان کردستان نگاه کنیم، دره شیلر مانند دماغه‌ای به داخل خاک ایران نفوذ کرده است، درحالی که متعلق به عراق است و پیش از جنگ نیز مشکلات بسیاری را از لحاظ امنیتی به ایران تحمیل می‌کرد.

پیش از شروع جنگ تحمیلی، یکی از نواحی پرتردد ضدانقلاب، دره شیلر بود. فرورفتگی این دره در خاک ایران و بلندی‌های متعددش، باعث می‌شد پاکسازی آن کار دشواری به نظر آید. در شهریورماه ۱۳۵۸، شهید چمران به همراه گروهی متشکل از سپاه و ارتش و پیشمرگ‌های کرد مسلمان، عملیات چندین روزه‌ای را برای پاکسازی این منطقه از لوث وجود ضدانقلاب آغاز کردند که تا حدودی موفقیت‌آمیز بود، اما مادامی که دره شیلر به خاک عراق تعلق داشت، ضدانقلاب دوباره می‌توانست خود را پیدا کند و باز به پاسگاه‌های مرزی و دیگر نواحی کشورمان ضربه وارد کند.

بعد از عملیات والفجر ۲ که در کردستان عراق انجام گرفت و عملیات والفجر ۳ که در منطقه عمومی مهران انجام شد، نیروهای ایرانی تصمیم گرفتند کار دره شیلر را یکسره کنند و چشم فتنه دشمن در این دره مخوف را برای همیشه کور کنند. لذا عملیات والفجر ۴ با چندین روز کار شناسایی و اطلاعاتی طرح‌ریزی به انجام رسید.

در این عملیات رزمندگان می‌بایست از دو محور بانه و مریوان کار را شروع می‌کردند و نیروها در داخل دره به یکدیگر ملحق می‌شدند. شروع عملیات طوفانی و غافلگیرکننده بود، اما استفاده دشمن از سلاح‌های شیمیایی، باعث وارد آمدن تلفاتی به رزمنده‌ها شد. از طرفی کمبود نیرو و سختی‌های عملیات در یک منطقه کوهستانی، باعث شد تا در برخی از محورها الحاق صورت نگیرد و ادامه روند عملیات با دشواری صورت پذیرد. والفجر ۴ توانست بخشی از خاک کشورمان و بخش کوچکی از خاک عراق را به تصرف نیروهای خودی درآورد. هرچند هدف عمده‌ای که تصرف به دره شیلر بود، در این عملیات میسر نشد، اما رکودی که در پی عملیات رمضان در جبهه‌ها ایجاد شده بود، با این عملیات تا حد زیادی شکست و تجربیات آن باعث شد تا سال‌ها بعد، عملیات والفجر ۱۰ در شمالغرب با موفقیت همراه باشد.

■ **سرداری گمنام**

سردار شهید علی رضائیان یکی از شاخص‌ترین شهدای عملیات والفجر ۴ است که هرچند در زمان شهادتش به عنوان فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) سمت مهمی را عهده‌دار بود، اما کمتر کسی با نام و زندگی این سردار رشید جبهه‌های شمالغرب آشنایی دارد.

شهید رضائیان در قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) جا پای بزرگمردانی چون شهید محمد بروجردی اولین فرمانده این قرارگاه گذاشته بود. قرارگاهی که از اوایل درگیری‌ها در کردستانات به شکل جدی ورود کرد و پس از کمرنگ شدن فعالیت ضدانقلاب، نیروهای این قرارگاه در عملیات صورت گرفته در غرب و جنوب نیز شرکت کردند.

> والفجر ۴ توانست بخشی از خاک کشورمان و بخش کوچکی از خاک عراق را به تصرف نیروهای خودی درآورد. رکودی که در پی عملیات رمضان در جبهه‌ها ایجاد شده بود، با این عملیات تا حد زیادی شکست و تجربیات آن باعث شد تا سال‌ها بعد، عملیات والفجر ۱۰ در شمالغرب با موفقیت همراه باشد

شهید رضائیان متولد تهران اما بزرگ شده اصفهان بود. از آن انقلابی‌های پای کاری بود که در پرونده فعالیت انقلابی‌اش، چاپ اعلامیه به زبان‌های خارجی برای آگاه‌سازی مردم دیگر کشورها از ماهیت انقلاب اسلامی مردم ایران دیده می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب، این سردار شهید خیلی زود به سپاه پیوست و با بصیرتی که داشت، وارد میدان عمل شد و به عنوان یکی از اولین نفرات، در کردستان آشوب‌زده حضور یافت.

رضائیان در دوران حضورش در جبهه کردستانات، بارها مجروح شد. چنانچه یکبار با اصابت گلوله به سرش، مدت‌ها به حالت اغما فرورفت. اما بعد از بهبودی دوباره به جبهه برگشت و با شایستگی‌هایی که نشان داد، به فرماندهی قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا(ع) نائل آمد.

شهید رضائیان در سمت فرماندهی قرارگاه حمزه خیلی حضور نداشت و به همین خاطر کمتر از او در این سمت یاد می‌شود. نهایتاً علی رضائیان برای هدایت نیروها به عملیات والفجر ۴ ورود پیدا کرد و قبل از شروع مرحله سوم این عملیات در اوایل آبان ماه ۱۳۶۲ حین عملیات شناسایی به شهادت رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۷۷

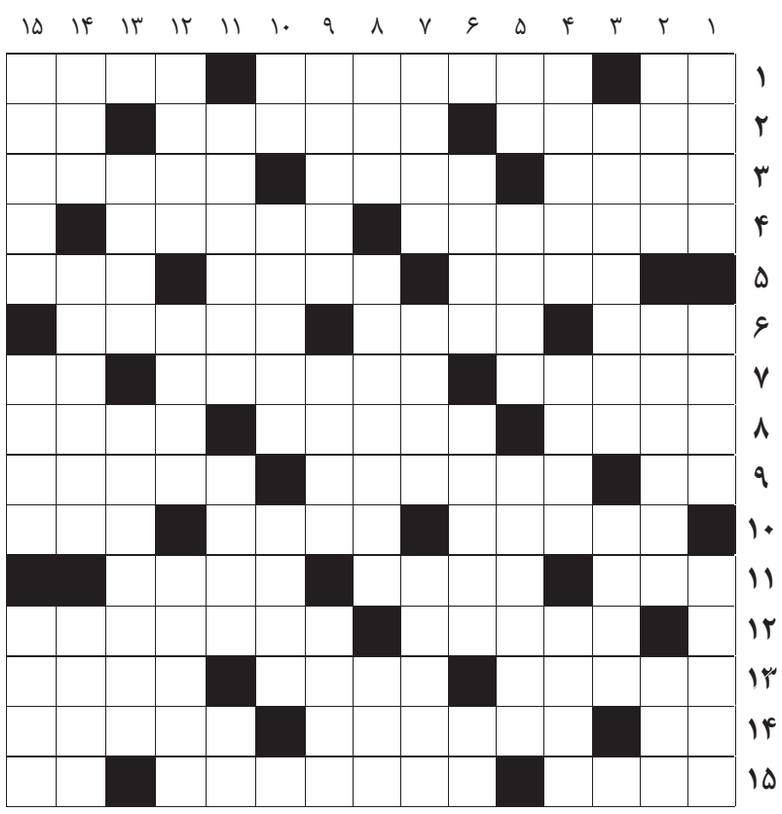

از راست به چپ

■ ۱- یار غم- ایالتی در امریکا- تفأل خیر ■ ۲- معادل فارسی انستیتو- دفتردار خزانه- نت میانی ■ ۳- جنگ افسانه‌ای یونان باستان- گل هیری- از نمازهای واجب ■ ۴- فرسایش- جزیره ای در جنوب ■ ۵- هوس باردار- خدا- مسرور ■ ۶- درخت انگور- فنا- زیاده بر احتیاج ■ ۷- ساقه خوراکی- خانوادگی- آب منجمد ■ ۸- جنگ- رزمایش- خبرگزاری ایتالیا ■ ۹- به دنیا آوردن- ظرف چایخوری- کشاورز ■ ۱۰- خستگی ناپذیر- تیم قدرتمند پایتخت روسیه- مخفف آنکه ■ ۱۱- بلدالامین- شیخ نشینی در امارات- شرکت خودروساز معروف سوئدی ■ ۱۲- دریایی در ترکیه- کرم کدو ■ ۱۳- از اسامی قرآن- مورد اعتماد- شهری نزدیک کاشان ■ ۱۴- مغز سر- از معجزه‌های حضرت موسی- دندان ها ■ ۱۵- مداوا- جاده‌ای که دور شهر کشیده می‌شود- رمق آخر

از بالا به پایین

■ ۱- فقط خدا ندارد- هم‌سطح- در یکجا گرد آمده ■ ۲- مخترع تلگراف- از محلات تهران- تنگ‌چشمی ■ ۳- خالی از سر و صدا- از مقاطع مخروطی ■ ۴- روزنامه ژاپنی- ابزار- متداول ■ ۵- زیر پا مانده- شهری در فرانسه- مفید ■ ۶- رایش به هم ریخته- بی باک و دلیر- مدافع فوتبال ■ ۷- کوسه در گویش جنوبی‌ها- خون‌آشام- چهارپایان ■ ۸- حیوان نجیب- قتل از روی ترحم- زیان‌آور ■ ۹- سرپرست املاک موقوفه- همدم- آمدن ■ ۱۰- ضمیر غایب- شهری در ترکیه- بالش روی مبل ■ ۱۱- کسی که دارای املاک و رعایای زیاد باشد- کاغذ نقشه‌کشی- اسم آذری ■ ۱۲- بلیغ و رسا- بسیار- بازرسی ■ ۱۳- محل پیدایش- کاخ شمال تهران ■ ۱۴- قیم- پدر اختراع- پول چین ■ ۱۵- فرشته آب در قدیم- خرمای زرد و خشک- از سازهای بادی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۳			۸			۲	۱	
			۱				۷	۵
۷			۳					
۹				۱		۸		
		۴				۱		
							۴	۷
	۳				۹			
						۵		۸
۸	۷	۵			۳			

جدول کلمات متقاطع
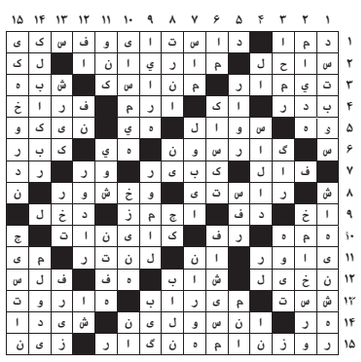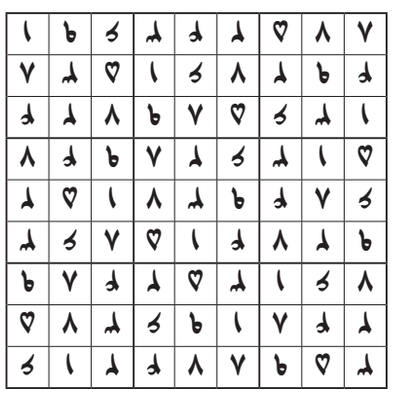
پاسخ جدول شماره ۵۷۷۶